



از : حسن صدر
وکیل پایه يك دادگستری

حقوق زن در چهارده قرن فرهنگ اسلامی ایران

سال کوروش کبیر و جشن دو هزار و پانصد ساله بنیانگزاری شاهنشاهی ایران فرصت بسیار مناسب و ارزنده‌ای به نویسندگان و صاحب نظران ارزانی داشته تا رشته‌های مختلف فرهنگ و تمدن درخشان کشور و ملت ایران را مورد بحث و نقد قرار دهند و ارزش معنوی و فرهنگی این تمدن عالی و عمیق را آنچنان که هست نشان دهند.

قریب چهارده قرن از اینمدت ملت مستعد و شایسته ایران بیرکت اصول اساسی تعلیمات عالی اسلامی دارای چنان فرهنگ متمدنی و درخشانی شد که آثار علمی و ادبی و اجتماعی آن هنوز روشنی بخش تمدن جهانی است .

هفت قرن اولیه این دوران - قبل از نزول بلای آسمانی حمله مغول - دارای درخشندگی خاصی است، مردان بزرگی که در این ایام در دامان تربیت این تمدن بزرگ ظهور کردند، دور از هر گونه مبالغه مشعلدار فرهنگ جهان معاصر خود بودند . کدام دانشگاه بزرگ و انجمن علمی مغرب زمین را از آثار پر برکت ذکریای رازی ، بوعلی سینا ، ابو ریحان بیرونی ، امام غزالی ، امام فخر رازی ، فردوسی ، نظامی ، مولانا جلال‌الدین محمد رومی و صدها دانشمند و مورخ و جغرافیدان و پزشک و شیمیست بی نیاز و فارغ می بینید ؟

من با رعایت رشته‌ای که در آن درس خوانده و ممارست کرده‌ام در این مقاله وضع حقوقی زن را در فرهنگ ایران مسلمان طی چهارده قرن بررسی میکنم.

تعلیمات اسلام برای زن از نظر همسری ، فرزندی و مادری، در مورد ازدواج و حقوق سیاسی و اقتصادی زن شوهردار، در مورد طلاق ، در مورد تعدد زوجات حقوق و وظائفی مقرر کرده که یکایک مورد بحث قرار میگیرد.

در هر جامعه‌ای چون زنان نصف جمعیت را تشکیل می‌دهند بی توجهی به وضع حقوقی و اجتماعی آنها سبب فلج شدن نصف جمعیت است و اسلام از همین رو به احیاء این رکن پر برکت اجتماع همت گماشته است.

بنظر من بیت‌القصیده تعلیمات اسلامی حیات بخشیدن به انسانهایی است که پایه و مایه تشکیل خانواده یعنی قائمه تاسیس شهرها و سپس مملکت‌اند. در عربستان جاهلی دختران معصومی که از ترس فقر و بیچیزی یا توهم ننگ و بدنامی بدست پدر زنده زیر خاک میرفتند با ظهور اسلام طی بیست و سه سال بصورت انسانهایی والا قدر، مستقل و عزیز تغییر وضع دادند.

رسول اکرم (ص) دست دختر خود فاطمه (ع) را درملاء عام میبوسید و برای همسر خود عایشه موقع سوار شدن رکاب میگرفت.

اعلام مکرر پیغمبر باینکه حسنین فرزندان منند و آموختن باین دو کودک که پیغمبر را پدر بخوانند (۱) از این رو بود که همگان بدانند بر خلاف سنت جاهلی از طرفی دختر صاحب قدر و منزلتی است که بتواند مانند پسر حامل نسب پدر باشد و از طرف دیگر مادر را چنان شایستگی است که پسرانش میتوانند خود را فرزند او معرفی کنند.

توجه فرمائید تا آنروز نه تنها در عربستان جاهل و بربر بلکه در امپراطوریهای متمدن ایران و روم و قبل از آن در جمهوری دموکراتیک یونان خانواده‌هایی که پسر نداشتند اجاقشان کور و از حیث نسب ابتر و عقیم بودند پدر با هر چند دختری که داشت چون بی پسر بود پس از خود کسی را که نام و نشان و حسب و نسب او را حفظ کند فاقد بود.

از این رو فصل خاصی در حقوق این کشورها پیدا شد بنام پسر خواندگی باین توضیح که پدرانی متمکن و بی پسر از خانواده دیگری و اغلب از خانواده فقیر و حاجتمند با جلب موافقت پدر خانواده و اغلب با پرداخت مبلغی پول یکی از فرزندان ذکور او را به پسر قبول میکردند و این پسر خوانده دارای تمام مزایا و حقوق فرزند واقعی میشد.

اولین خانواده‌ای که در جزیره العرب مظهر این تحول چشمگیر قرار گرفت خانواده مظهر پیغمبر اسلام است.

سوره کوثر و مخصوصاً آیه آخر آن (ان شاتئک هو الابتر) گویای این معنای عالی انسانی است.

۱ - زناشویی در نظر اسلام

شریعت اسلام این امر خطیر اجتماعی را در منتهای درجه اهمیت تلقی کرده و با توجه باینکه زناشویی و خانواده پایه و اساس سازمان اجتماعی هر قوم شمرده میشود بنیان آن را بر قواعد و اصول عقلی و اخلاقی استوار ساخته است.

(۱) تا روزی که پیغمبر حیات داشت حسنین او را پدر و پدرشان علی را ابوالحسن میخواندند فقط پس از وفات رسول الله بود که پدرشان را پدر خطاب میکردند.

اسلام بر خلاف مسیحیت بحدی افراد مسلمان را بزناشوئی ترغیب و تشویق کرده که هیچ امر پسندیده دیگری به پایه آن نمیرسد. برای انجام ازدواج هیچ قید و شرطی که بتواند وقوع آن را بتاخیر اندازد قائل نشده بر خلاف طلاق که از بس اجرای آن بقیود و شروط زیاد و مشکلی معلق شده انجام آن اغلب دچار تأخیر و گاهی در نتیجه تأخیر موجبات آن مرتفع و موضوعاً منتفی میگردد.

در عقد نکاح هیچ شرط فوق‌العاده‌ای جز آنچه در همه عقود برای حفظ منافع طرفین وضع شده است قائل نگردیده حتی بفقرا وعده کرده که اگر ازدواج کنند خداوند آنها را از فضل خود بی‌نیاز خواهد ساخت « **ان یکو نوافقراء یغنهم الله من فضله** » این نوید از آنجا است که زناشوئی در نظر اسلام عبارت است از یگانگی و پیوندی که منظور از آن تشریک سعی دونفر انسانی است که از هر حیث همقدر و همدوش بوده در آسان ساختن مشکلات زندگی و استفاده از لذات مشروع آن بیکدیگر متقابلاً کمک میکنند، بدیهی است ثمره چنین مشارکتی جز خیر و برکت نمیتواند باشد.

۲ - تعریف ازدواج

اسلام بر دیباچه کتاب زناشوئی سرلوحه‌ای از مهر و محبت نگاشته طرفین این معامله مهم اجتماعی را دو دل رؤوف و دو قلب مهربان قرارداده آفرینش زن و مرد را یکسان و از خمیره واحدی اعلام کرده و بین این دو عنصر همقدر و هم سنگ پیوندی از صفا و خلوص واقع ساخته است به این آیه کریمه توجه فرمائید.

« **ومن آیاته ان خلق لکم از واجاً لیتسکنوا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة** » اولاً آفرینش زن و مرد از گوهر واحدی است یعنی هیچ یک را مزیتی بر دیگری نیست و ثانیاً مایه ایجاد علقه زوجیت مهر و رحمت طرفین است.

در هیچ یک از شرایع و قوانین سابق چنین تعریفی برای ازدواج دیده نمیشود با کمک معارف و معالم امروزی میتوان به اهمیت این تعریف اخلاقی و اجتماعی که چهارده قرن پیش در دنیای جاهل و بربر تقریر شده پی برد « **و جعل بینکم مودة و رحمة** » این تعریف نشان میدهد که دختر و پسری که میخواهند شریک زندگی هم باشند و مبنای علقه و پیوندشان مهر و عطوفت است باید همدیگر را به بینند و بشناسند و گرنه بین دو ناشناخته‌ای که بامصلحت - اندیشی پدرانشان ازدواج میکنند چگونه چنین پیوند مهر آمیزی ناگهان بوجود میآید ؟

۳ - استقلال اقتصادی زنان شوهر دار

اسلام در چهارده قرن قبل زنان را آن لیاقتی داد که مستقیماً و مستقلاً امور مالی خود را اداره کنند.

اهمیت این امر وقتی معلوم میشود که به قانون مدنی فرانسه مراجعه کنیم و به بینیم که تا ۱۹۳۸ یعنی سی و سه سال قبل زنان شوهر دار بدون موافقت و امضای شوهر

صلاحیت اقامه دعوی در محاکم نداشتند .

روابط مالی زن و شوهر در فرانسه تابع یکی از چهار رژیم است که در اغلب آنها حداکثر استقلال مالی زن در اموال غیر منقول اداره کردن آن است از قبیل اجاره و رهن و گرنه برای فروش - هبه و معاوضه، اجازه و امضای شوهر از لوازم صحت معامله است

لکن در اصول و مقررات اسلامی زن شوهر دار مثل دختر بالغ و زن بی شوهر در اداره امور مالی و خرید و فروش و کلیه معاملات حقوقی نسبت باموال شخصی خود آزاد و مستقل است. با اینکه ریاست خانواده با مرد است لکن بهیچوجه شوهر نفوذ قانونی و رسمی در امور مالی زن ندارد و نه فقط هستی زن متعلق بخود اوست و در کیفیت اداره و خرج کردن آن مطلق العنان است بلکه تکلیفی هم راجع به شرکت در مخارج خانه ندارد و از این رو است که سهم الارث دختر مسلمان را نصف پسر مقرر کرده‌اند.

دختران مسلمان در قرن هفتم میلادی از اختیار و آزادی که دختران اروپائی تا قرن نوزدهم از آن محروم بودند بهره مند گردیدند. دختر بالغ مسلمان حق دارد با وجود عدم رضایت والدین با هر مردی که بخواهد مزاجت کند فقط باید موضوع را به ولی خود اعلام نماید تا اگر ولی دختر دلیل موجهی بررد این زناشویی نداشته باشد حاکم عقد ازدواج را واقع سازد.

اسلام حقوق و تکالیف زن و شوهر را چنان بر پایه مساوات قرارداد که قرآن کریم میفرماید « **ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف** » و همچنین رعایت جانب زن را بجدی مورد نظر قرارداد که در قرآن کریم توصیه کرده است « **و عاشروهن بالمعروف** » پیغمبر اکرم فرموده کرامت نفس و پستی مرد را در رفتار او با همسرش جستجو کنید . مرد کریم کسی است که جانب حرمت همسرش را فرو نگذارد و لثیم و پست کسی است که نسبت به همسرش اهانت کند .

در تربیت و تعلیم حق و وظیفه زن و مرد را طوری بر اساس تساوی قرارداد که نه فقط زن حق دارد مقداری از وقت خود را ولو بدون رضایت شوهر صرف آموختن معالم و معارف کند بلکه میتواند از شوهر بخواهد به وسائل ممکنه او را تعلیم دهد. استقلال زن تا آنجا است که اگر نخواهد کودک خود را شیر دهد میتواند از شوهر بخواهد برای شیر دادن کودک دایه بگیرد .

ریاست خانواده و اداره امور خارجی از مختصات مرد است لکن نظم و تمشیت امور داخلی خانواده را منحصرأ در اختیار زن قرارداد و زن را در محیط خانه مقتدر و مطلق العنان کرده . پیغمبر فرموده است « **کلکم راع و مسئول عن رعیتة . . . والمرته راعیة و مسئولة آ عن رعیتها** » .

۴ - استقلال سیاسی و خدمات اجتماعی.

پیغمبر اسلام در سفری که بقصد زیارت کعبه با هزارها مسلمان از مدینه بطرف مکه میرفت و مشرکین از ترس اینکه مسلمانها با این حيله مکه را تصرف کنند آماده جلو گیری و جنگ شدند پیغمبر که فقط قصد انجام مراسم حج داشت با کفار مکه قراردادی بست که آن سال از ورود به مکه و زیارت کعبه صرف نظر و اینکار را با موافقت مشرکین به سال بعد موکول نماید در این مقاوله نامه رسول الله (ص) بخواهش کفار قبول کرد که بجای محمد رسول الله که مورد انکار مکیان بود محمد فرزند عبدالله نوشته شود.

عدول رسول اکرم از عنوان پیغمبر با اینکه الزامی بود موجب رنجش و شك و شبهه بعض از یاران او شد ولی پس از اینکه با توجه باوضاع و احوال سیاسی به خطای خود واقف شدند قرار شد دوباره همگی با پیغمبر بیعت کنند. این بیعت که زیر درخت معروفی انجام گرفت در تاریخ صدر اسلام فصل بخصوصی به خود اختصاص داده، در این بیعت کلیه زنان مسلمان که در اردوی پیغمبر بودند مثل مردها با پیغمبر (ص) بیعت خود را تجدید کردند.

امیر المؤمنین علی (ع) در خطابه معروف ششقیه که از خطابه های فوق العاده مهم سیاسی امام است آنجا که از هجوم مردم بخانه او برای اصرار در قبول خلافت گفتگو میکند می-فرماید دختران پستان بر آمده - مراد دختر بالغ است - با شوق و ولع با من بیعت کردند. عایشه زوجه پیغمبر (ص) در مقام فرماندهی جنگ جمل از مکه به بصره عزیمت کرد. ام عطیه در بسیاری از غزوات پیغمبر در اردوی مسلمانها عهده دار نان پختن برای سربازان و زخم بندی و پرستاری مجاهدین اسلام و مجروحین جنگ بود.

ام حبیبه دختر ابوسفیان معروف که علی رغم دشمنی خانواده اش با محمد (ص) و اسلام، مسلمان شده بود در نتیجه آزار مشرکین به همراهی تعداد زیادی از همکیشان خود که اغلب مرد بودند از مکه به حبشه مهاجرت کرد و پس از چند سال که قدرت و تعداد مسلمانها فزونی گرفت به جزیره العرب مراجعت نمود.

۵ - طلاق

قبلا توجه خوانندگان را باین نکته جلب میکنم که باید بین آنچه در چهل پنجاه سال اخیر در کشور ما بعنوان مقررات اسلامی معمول بوده و عکس العمل قهری و طبیعی آن وضع قانون حمایت خانواده شده با تعلیمات اخلاقی و اجتماعی اسلامی فرق گذاشت.

در مقررات اسلامی در مقابل اختیار مطلق که بمرد واگذار شده بحدی رعایت جانب زن و احترام باو و بخصوص پس از فرزند آوردن تعظیم و تجلیل مقام مادر توصیه شده که در يك جامعه مسلمان واقعی بندرت میتوان موردی را یافت که شوهر از این اختیار سوء استفاده کند و از طرف دیگر قاعده کلی لاعسر ولا حرج بزنی که استحقاق طلاق دارد حق میدهد از محکمه حکم جدائی بگیرد.

وضع موقت زن مسلمان در طلاق

در مقام توضیح بیشتر این مسئله دو مورد مختلف میتوان فرض کرد که نسبت بزنی تعدی شود.

یکی موردی است که زن پاکدامن و عقیقی پس از صرف ایام جوانی و نیرومندی یعنی سرمایه زندگانی در خانه شوهر روی هوسرانی و کام جوئی مرد یا طلاق يك طرفه روبرو شود.

قبلاً متذکر شدم که اسلام در عین تساوی حقوق و ارزش زن و مرد در صحنه نبرد زندگی مرد را متین تر، عاقل تر و قویتر دانسته و بهمین مناسبت بار سنگین امرار معاش و کفالت مصارف ضروری عائله را تنها بدوش او تحمیل کرده و از همین رو اختیار طلاق را با او سپرده و اراده زن را که ممکنست زود تر تحت تاثیر قرار گیرد و به آسانی بنیان خانواده را منحل سازد در آن دخیل ندانسته ولی برای محدود کردن اختیار مرد از دو راه اقدام کرده یکی از راه تربیت اخلاقی و دیگر جعل موانع و شرایط فوق العاده مشکل در راه اجرای طلاق از راه تربیت طوری مسلمانان را تربیت کرد که هیچگاه مرد متدین نمیتواند بهمسر خود ستم کند و او را روی هوسرانی طلاق گوید بجدی توصیه در باره خوش رفتاری دو همسر با یکدیگر در نظر پیغمبر اسلام اهمیت داشته که علاوه بر مواقع عادی در موارد حساس مثل آخرین وصیتی که در دم واپسین کرده و خطبه ای که در آخرین سفر حج تشریفات در برابر بیش از یکصد هزار مسلمان (در حجة الوداع) ایراد فرموده خوش رفتاری با زنان را جزو شرایط ایمان کامل قرار داده است.

از نظر جعل موانع باید قبلاً بین زن و شوهری که اختلاف نزدیک است بجدائی منجر گردد تحکیم بعمل آید اگر اصلاح پذیر نبود باید طلاق در محضر حاکم با حضور دو نفر شاهد عادل به جمله مخصوص طلاق ادا شود. طلاق دهنده باید عاقل و بالغ و قاصد و مختار باشد طلاق گیرنده باید خالی از حیض و نفاس و در طهر غیرمواقعه باشد. شهود باید مرد و عادل واقعی باشند - صیغه طلاق باید صریح و غیر معلق بشرط باشد و در مجلس واحد بیش از يك طلاق نمیشود داد.

زن باید در خانه مرد سکونت کند تا اگر موجبات طلاق تاثرات زود گذر باشد دوباره با رجوع زن و شوهر شوند و اگر دلایل اساسی و نا سازگاری واقعی وجود داشته چه بهتر که با جدا شدن هر دو آسوده شوند.

فیلسوف انگلیسی لایپنیز میگوید از ۱۸۴۸ مدت ۵۴ سال در میان ملت های مسلمان زندگی کردم و با اینکه طلاق در اسلام جایز و در مسیحیت ممنوع است در مسلمانها بسیار کمتر از ملت های مسیحی طلاق دیده شد.

مورد دوم که عملاً میتواند بیشتر مورد ابتلا باشد اینست که زن گرفتار همسر نامتناسبی

شده بخواهد با جدائی خود را از شکنجه زندگی ناهموار نجات دهد و چون اختیار طلاق بمرد سپرده شده نتواند علی رغم شوهر باخذ طلاق موفق گردد .

برای اصلاح چنین وضعی اولاً بزن حق داده شده ضمن عقد نکاح برای خود اختیار بگیرد که در موارد خاصی از بد رفتاری خود را مطلقه کند ثانیاً زن میتواند با اثبات خطر جانی، مالی یا حیثیتی از محکمه طلاق بخواهد، همچنین در مورد عدم انفاق در صورتیکه اجبار مرد ممکن نباشد حکم به طلاق میدهند رویهمرفته در اسلام با توجه بقاعده کلی (لا عسر و لا حرج فی الاسلام) هر جا عسرت و مشقت بود زن میتواند مطلقه شود .
بالجمله فقه اسلامی بارعایت استحکام مبانی خانواده که اساس نظام جامعه است حقوق زن را از هر گونه تعدی و تجاوزی محفوظ داشته است .

۵- میراث همسر و مادر و دختر

اسلام در چهارده قرن پیش برای مادر و همسر و دختر در میراث فرزند و شوهر و پدر حق قابل توجهی شناخت در صورتیکه نه فقط در آن روزگار بلکه تا اوایل قرن نوزدهم یعنی دوازده قرن پس از ظهور دیانت اسلام در بسیاری از کشورهای مغرب زمین زنان با هیچ يك از عناوین بالا در ترکه مردان حقی نداشتند .

مادر - در قانون مدنی فرانسه چون اصل همخونی *Consanguinité* و اصل **الاقرب یمنع الابعاد** به شدت رعایت شده مادر در صورت وجود فرزند حتی امروز هم از ترکه پسر متوفای خود مطلقاً ارث نمیببرد در صورتیکه دیانت اسلام با رعایت نسبی دو اصل بالا در چنین فرضی برای مادر **یک ششم** ترکه را مقرر داشته و این یکی از مظاهر تعظیم مقام مادری است .

همسر - در قانون مدنی فرانسه تا ۱۸۹۱ زن در ترکه شوهر متوفای خود حقی نداشت از این تاریخ برای او در منافع قسمتی از ترکه، که در اغلب موارد از **یک چهارم** تجاوز نمیکند سهمی شناختند .

اسلام در قرن هفتم میلادی برای زوجه از **یک هشتم** تا **یک چهارم** ترکه شوهر میراث معین کرده نکته قابل توجه اینکه در قانون مدنی فرانسه چون مأخذ میراث زوجه علقه و انس زن و شوهر بیکدیگر و بر خلاف اصل کلی همخونی است زن در صورتیکه موقع درگذشت شوهرش با او در حال تفریق جسمانی باشد مطلقاً حقی بر ترکه ندارد ولی در اسلام حتی پس از طلاق رجعی اگر مرگ شوهر در ایام عده روی دهد چون فرض رجوع منتفی نیست عیناً مثل زوجه غیر مطلقه ارث میبرد .

(۱) در قانون حمایت خانواده مواردی که برای امکان طلاق پیش بینی شده با قاعده لا عسر و لا حرج منطبق است. مواردی هم که دادگاه طلاق را منع میکند مواردی است که هیچ موجب اخلاقی یا خانوادگی وجود ندارد .

دختر - امروز در اغلب و شاید تمام کشورهای غربی سهم الارث دختر و پسر مساوی است و در شریعت اسلام دختر نصف پسر ارث میبرد ولی با توجه باینکه در مقررات اسلامی کفایت معاش خانواده بمعده مرد محول شده و زن بهیچ صورت در این باب تکلیفی ندارد نصف بودن سهم دختر نسبت به پسر بخوبی توجیه میشود.

خاطر خوانندگان گرامی را باین نکته متوجه میکنم که قوانین و ادیان قبل از اسلام زن را ضعیف و نا چیز میشناختند. مثلاً در دین یهود قسم و نذر و شهادت زن مقبول نیست عبادت او ارزش عبادت مرد را ندارد. در شریعت حضرت موسی زن در ایام قاعدگی بایستی در اطاق دربسته‌ای میماند و باکسی حرف نمیزد و تنها غذا میخورد خدمتگزار و یا خویشاوندی که برای او آب و غذا میبرد بایستی بینی و دهان خود را با پارچه‌ای ضخیم میپوشاند که از استشمام هوای اطاقی که اقامتگاه چنین زنی است نجس و آلوده نشود.

ولی اسلام زن را از تمام این بدبختی‌ها نجات داد و قرآن کریم فرموده **لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر و انثی** - همهجا زن و مرد را با وصف مساوی در کنار هم قرار داده. **المسلمین و المسلمات و المؤمنین و المؤمنات** در احسان بوالدین - فرموده **و بالوالدین احسنا و اشکر لی و لو الدیک و لا تقل لهما اف**.

النهاییه اسلام زن را موجود ظریفی میدانده که از نظر ارزش اجتماعی و سیاسی همقدر و هم‌ارز مرد است ولی از بسیاری از مشقتهای زندگی نظر بظرافت روح و نظر بالزام طبیعی او بانجام وظائف اختصاصی خانه‌داری، حمل و وضع حمل و نگهداری خانه و خانواده معاف شده و بنابراین منطقی است که دختر کمتر از پسر ارث ببرد (۱).

کفالت معاش - دختر مادام که در خانه پدری است نگاهداریش بمعده پدر و پس از شوهر کردن بمعده شوهر و پس از آن وظیفه فرزند ذکور است.

در بیشتر کشورهای غربی تا اواسط قرن ۱۹ و در بعض کانتونهای سویس تا سال ۱۹۰۰ یعنی اول قرن بیستم دختر مطلقاً از تر که پدر محروم بوده است فی‌المثل در زوریخ تا سال ۱۸۵۵ دختر نصف پسر ارث میبرده در آن سال مردم با اکثریت ۲۵۲۵۱ رأی در مقابل ۱۶۲۳۶ رأی خواستار تساوی شدند.

وصیت - اسلام مانند قانون مدنی فرانسه و بلژیک و هلند بهر کس حق داده نسبت به ثلث ماترک خود بدلخواه وصیت کند.

وصیت نسبت بدو ثلث دیگر جز با رضا و تنفیذ ورثه نافذ نیست.

در اسلام زن چه شوهر دار و چه بی‌شوهر چون استقلال کامل مالی دارد در امر وصیت هم عیناً مانند مرد میتواند نسبت به ثلث دارائی خود وصیت کند ولی در بیشتر ایالات امریکای

(۱) مقایسه تفصیلی قوانین ارثی اسلام و قوانین اروپائی و پایه تاریخی میراث را در کتاب حقوق زن در اسلام و اروپا از صفحه ۲۵۷ تا ۲۷۸ چاپ چهارم میتوانید مطالعه فرمائید.

شمالی زن شوهر دار حق ندارد نسبت باموال خود وصیت کند مگر با اجازه شوهر یا اینکه حین عقد نکاح این حق را برای او شناخته باشد .

در فرانسه حتی قبل از ۱۹۳۸ که تا حد زیادی قیمومت و ولایت شوهر در امور مالی زن مرتفع شده زن حق داشته تا حد ثلث وصیت کند منطق این استثناء این بوده که قلمرو زمانی اجرای وصیت پس از مرگ است و در آن زمان دیگر علقه زوجیت و در نتیجه ولایت شوهر وجود ندارد .

ولی بالعکس در فرانسه حتی امروز مرد میتواند تمام سهم الارث زوجه خود را مورد وصیت قرار دهد و فی المثل آنچه بعد از مرگ خود سهم الارث همسرش خواهد شد بدیگری ببخشد و نیز میتواند بدون وصیت زوجه خود را از ارث محروم کند .

۶- تعدد زوجات (۱)

دیانت اسلام وقوانین وشرایع قبل از اسلام بمرد اجازه داده اند در صورت توانائی با رعایت شرائط خاص بیش از يك زن داشته باشد. قوانین اروپائی و بطور کلی غربی نه فقط این امر را مجاز میدانند بلکه آنرا مخالف اخلاق حسنه و نظم عمومی میدانند .

نتیجه این تفاوت اینست که گرچه احوال شخصیه از قبیل سن کبر و ازدواج و طلاق و مواردی برای کسانی که در کشور های غربی توقف دارند تابع قوانین کشور ملی آنها است ولی اموری که خلاف نظم عمومی شناخته میشود ولو قانون ملی مجاز بشناسند برای اتباع خارجی هم تابع قانون کشور محل توقف است فی المثل برده فروشی اگر در عربستان سعودی هنوز مجاز باشد برای اتباع سعودی هم در اروپا و امریکا جایز نیست .

تعدد زوجات از این قبیل مسائل شناخته میشود اکنون به بینیم مصلحت اجتماع حرمت شدید و مطلق آن را ایجاب میکند یا اباحه مقید و مشروط ؟

از لحاظ نظری و قطع نظر از اینکه آثار عملی آن در هر محیط و هر عصر ممکنست تفاوت داشته باشد حیثیت و شخصیت زن و تساوی حقوق او با مرد حکم میکند که هیچگاه اجازه داده نشود مرد در هر گونه شرائط و مقتضیاتی بیش از يك زن داشته باشد چنانکه عکس آن را هیچکس نمیتواند تصور کند مجاز باشد .

دو یا چند زن داشتن يك مرد میتواند چنین تعبیر شود که ارزش اجتماعی دو یا سه و حتی چهار زن برابر ارزش يك مرد است .

علاوه بر این تعبیر کلی رقابت و حسد و حتی کینه دو زن و خویشان و بستگان آنها و فرزندان يك پدر از دو مادر با یکدیگر بزبان خانواده و در نتیجه به ضرر اجتماع تمام میشود.

(۱) La bigamie از جمله ایرادات مهم مسیحیان به دیانت اسلامی است شرح کامل آن را علاقمندان میتوانند در کتاب حقوق زن در اسلام و اروپا صفحات ۲۱۱ تا ۲۱۸ چاپ چهارم مطالعه فرمایند .

اینست قضاوت کسانی که طرفدار يك زن و داشتن Lamonogamie و منکر تعدد زوجاتند. Lahigamie بنظر نویسنده درعین حال که این اصل کلی صحیح و معتبر و از لحاظ نظری منطقی است در عمل از توجه بیک نکته اساسی غفلت شده و عملاً با واقعیات ناسازگار است. برای اینکه اثر عملی منع مطلق تعدد زوجات را در جامعه بخصوص رسیدگی کنیم باید دید تعداد زن و مرد در آن جامعه مساوی است یا زن کمتر از مرد یا بعکس تعداد زنان بیش از مردان است؟

اگر تعداد زنان خاصه با توجه باینکه جنگهای جهان گیر میلیونها مرد را از پای درمیآورد به نسبت قابل توجهی بیش از مردان باشد منع تعدد زوجات طبعاً به فحشاء و روابط نامشروع زنان با مردان زن دار منجر میگردد و این فساد علاوه بر آثار زیان بخش اخلاقی چون نمیتواند پس پرده بماند قهراً همان کینه و بغضائی را که تعدد زوجات میان فرزندان و خویشان دو زنی که يك شوهر دارند پیش میآورد و همان تنزل و انحطاط مقامی را که يك شوهر داشتن دو زن برای آنها سبب میشود برای زنانی که بطور نامشروع عرض و شرف خود را بمردی که زن دارد تسلیم میکنند بوجود خواهد آورد.

گرچه نویسنده آمار واقعی از تعدد زن و مرد در کشورهای مختلف ندارد ولی بطوری که شایع است در بیشتر نقاط جهان تعداد زنان بر مردان فزونی دارد بنابراین منع مطلق تعدد زوجات صحیح بنظر نمیرسد دیانت اسلام هم ضمن اباحه کلی این امر جواز آن را به شرطی تقریباً محال معلق کرده است شرط مذکور علاوه بر تمکن کافی مالی اطمینان مرد باینست که با دو زن بعدالت رفتار کند یکی از شرایط تحقق عدالت اینست که حتی از حیث علاقه قلبی و محبت باطنی هم نسبت بهر دو یکسان باشد و از جمله **وان خفتهم ان لا تعدلوا فواحدہ** اگر ترسیدید که نتوانید بعدالت رفتار کنید پس یکی - چنین برمیآید که حتی احتمال فرق گذاشتن بین دو زن - که امر طبیعی و تقریباً محقق است کافی است که این اباحه و جواز زائل و منتهی گردد.

قانون حمایت خانواده در این مورد بتمام معنی با روح تعلیمات اسلامی منطبق است زیرا منع مطلق ندارد و جواز آن در موارد استثنائی پیش بینی شده فی المثل نازا بودن همسر مردی که طبعاً مشتاق فرزند داشتن است و همسر نازا زن دیگر داشتن شوهرش را بر جدائی از او ترجیح میدهد ضمناً مرد هم برای تأمین زندگی دو زن متمکن است یا بیماری مزمن و علاج ناپذیر زنی که هوو داشتن را بر جدائی و تنهایی ترجیح میدهد و موارد خاص و استثنائی از این قبیل.

بنظر من آنچه در گذشته در محیط ما رایج بوده هرگز با مقررات اسلامی سازگار نبوده و بعکس قانون جدید کاملاً با اصول مسلمه دینی و قواعد کلی لاعسر و لاجرح فی الاسلام ولا ضرر ولا ضرار فی اسلام قابل انطباق است.

اکنون که از شرح اجمالی حقوق زنان مسلمان و توجه خاصی که تعلیمات اسلامی در تعظیم و تجلیل مقام و شخصیت دختران و زنان مبذول داشته فراغت یافتیم خوانندگان عزیز را یادآوری میکنم که میان آنچه دیانت اسلام برای زن شناخته و آنچه تا بیست سی سال قبل عملادر کشور ما نسبت بزنان و حقوق و آزادیهای آنها رفتار میشد از زمین تا آسمان تفاوت است. ام عطیه چهارده قرن قبل در جنگهای پیغمبر اسلام با کفار و مشرکین مکه و طوائف مختلف بزخم بندی مجروحین همت گماشته بود ولی زنان مملکت ما تا چهل سال قبل در حصار خانه و نقاب و روبنده خودرا پنهان میکردند .

قرآن کریم پیوند زناشویی را میان دو دل مهربان و دو قلب رئوف واقع ساخته ولی در محیط ما پدر تاجر پیشه برای فرزندش دختر ثروتمند و جهیزداری را نامزد و گاه پسر و دختر ناشناخته را به قبول مزاجت مجبور میکردند .

حجاب صورت که با طبع مداخله زنان در امور اجتماعی سازگار نیست و آیه کریمه *قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم وقل لله و منات یغضن من ابصارهن* نشان میدهد که وضع زن و مرد از این حیث یکسان بوده و چون زنان متشخص ایران قدیم صورت خودرا از لحاظ حرمت و حیثیت مپوشانده اند بتدریج جزو آداب مذهبی درآمد و از هر گونه پیشرفت اجتماعی زنان ایرانی جلوگیری کرد. حجاب بهمت رضا شاه کبیر برداشته شد و راه پیشرفت زنان را در امور علمی و اجتماعی هموار کرد .

لکن تساوی واقعی و عملی حقوق زنان با مردان در ده سال اخیر چنان راه خودرا باز کرد که میتوان گفت ایران از این نظر در تمام کشورهای خاور میانه پیشرو و مشار با لبنان است .

آنچه بیش از همه مایه مباهات کشور ما است ورود زنان و دختران مستعد و شایسته در میدان خدمات اجتماعی است. دختران سپاهی دانش و ترویج و بهداشت دخترانی که در دانشکده های مختلف مهندسی - پزشکی - فیزیک و شیمی و حقوق و در دانشگاه های متعدد مشغول یا فارغ التحصیل شده اند نوید بخش ترقی و تعالی مملکت و رفاه و نیکبختی جامعه قرین تحول عظیم اجتماعی ایران عزیزند .